



# MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

## مصادیق حقوق بشر بین‌المللی در فرآیند اعمال کیفر حبس با تأکید بر سلسله مراتب هنجاری

حسن مهدوی فر<sup>۱</sup>، سید عسکری حسینی مقدم<sup>۲\*</sup>، عباس عرب خزائلی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مهمترین مسائل در عالم حقوق، مسئله ضمانت اجرای نقض هنجارها می‌باشد. به لحاظ تاریخی، یکی از قدیمی‌ترین مصادیق ضمانت اجرای کیفری «حبس» می‌باشد. در فرآیند اجرای کیفر حبس، مصادیق و استانداردهای مختلفی از حقوق بشر بین‌المللی باید مدنظر قرار گیرد.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** مصادیق حقوق بشر در فرآیند اعمال کیفر حبس در یک طبقه‌بندی خاص قرار می‌گیرند. طبقه اول قواعد بنیادین هستند. این قواعد در واقع جزئی از مصادیق حقوق بنیادین بشر هستند که در ادبیات حقوق بین‌الملل موضوعه، مصادیقی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. طبقه دوم قواعد غیربنیادین هستند. این دسته از قواعد فاقد پیشینه کنوانسیون یا عرفی می‌باشند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** قواعد بنیادین در رأس هرم سلسله مراتب هنجاری حقوق بشر قرار دارند و سایر هنجارها نمی‌توانند در تعارض با آنها قرار گیرند. یکی از ویژگی‌های این دسته از قواعد، این است که اساساً قواعد مزبور قابل عدول نیستند. به این معنا که هیچ دولتی نمی‌تواند به استناد علل و عوامل موجهه و یا رافع مسئولیت این قواعد را اجرا نکند. اما در مقابل قواعد غیربنیادین فاقد چنین وصفی هستند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

### واژگان کلیدی:

حقوق بشر

کیفر حبس

سلسله مراتب هنجاری

قواعد آمره

### \* نویسنده مسؤول:

سید عسکری حسینی مقدم

آدرس پستی: ایران، ساری، دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد ساری، گروه فقه و

حقوق اسلامی.

کد پستی: ۴۸۱۶۱-۱۹۳۱۸

تلفن: ۱۱-۳۳۰۳۲۸۹۱

پست الکترونیک:

[dhoseini@gmail.com](mailto:dhoseini@gmail.com)

**۱. مقدمه**

حقوق آن چیزی است که برای رشد بشر و ظهور شخصیت او در جامعه الزامی است. با توجه به معیارهای مربوط به حقوق بنیادی انسان در جهان امروز، انسان‌های بدون حقوق تضمین شده که سرنوشتشان مطلقاً منوط به میل و هوس مقامی غیرمسئول باشد، بردگانی فاقد اراده، متعلق به اعصار عتیقه و در جایگاه بهائم هستند. در واقع، عالم حقوق، مجموعه‌ای از هنجارهایی می‌باشد که رسالت اصلی آن، تنظیم روابط میان تابعان حقوق است. یکی از مهم‌ترین مسائل در عالم حقوق، مسئله ضمانت اجرای نقض هنجارها می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی، ضمانت اجراها به دو دسته ضمانت اجرای کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شوند. ضمانت اجرای کیفری در واقع واکنش حاکمیت به ارتکاب جرم توسط تابعان حقوق است. به لحاظ تاریخی، یکی از قدیمی‌ترین مصادیق ضمانت اجرای کیفری «حبس» می‌باشد. به همین دلیل از دیرباز، وضعیت افراد محبوس یا به تعبیری افراد محروم از آزادی فیزیکی مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران حوزه حقوق کیفری قرار داشته است. در عالم حقوق، افراد محبوس به جهت مجازات، به دو دسته زندانیان جنگی و زندانیان غیرجنگی تقسیم می‌شوند.

از سویی، هنجارهایی که در ارتباط با حقوق زندانیان در ادبیات حقوق بین‌الملل وجود دارد به دو دسته هنجارهای حقوق سخت و هنجارهای حقوق نرم تقسیم می‌شوند. اصولاً هنجارهای حقوقی دارای ۲ رکن می‌باشند: الف. الزام‌آوری؛ ب. پای‌بندی. مقصود از هنجارهای حقوق سخت، هنجارهایی هستند که دارای هر دو رکن مزبور هستند؛ اما در مقابل، مقصود از هنجارهای حقوق نرم، هنجارهایی هستند که علی‌رغم غیرالزام‌آور بودن، از سوی تابعان حقوق بنا به دلایل مختلف رعایت می‌شوند، یا به تعبیری نسبت به آنها پای‌بندی وجود دارد.

از سوی دیگر، مسئله حقوق زندانیان در شاخه حقوق کیفری قرار دارد. در فضای حقوق کیفری اساساً یک اصل کلی تحت عنوان اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها وجود دارد. به عقیده بسیاری از نویسندگان حقوق بین‌الملل کیفری، با توجه

به وجود اصل مزبور، فضایی برای نقش‌آفرینی هنجارهای حقوق نرم در قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری باقی نمی‌ماند. زیرا با توجه به اصل مزبور، اصولاً مفهوم جرم و مجازات باید به صورت دقیق، در قالب اسناد و متون حقوقی الزام‌آور مشخص شوند در نتیجه نمی‌توان فضایی برای نقش‌آفرینی حقوق نرم در نظر گرفت. با توجه به گستردگی و تنوع هنجارها و اسناد حقوق نرم در ارتباط با حقوق بشر زندانیان، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که اسناد و هنجارهای مزبور در روند اعمال کیفر حبس، چه نقش‌هایی را ایفا می‌کنند؟ همچنین جایگاه حقوق بشر زندانیان در سلسله مراتب هنجاری حقوق بشر چگونه است؟

فرضیه‌ای که در پژوهش حاضر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت این است که برخی از مصادیق حقوق بشر در فرآیند اعمال حبس در سلسله مراتب هنجاری حقوق بشر بین‌المللی در رأس و به عنوان مصادیق قاعده‌آمره محسوب می‌شوند و سایر هنجارها به عنوان مصادیق قواعد غیرآمره تلقی می‌شوند که از طریق اسناد غیرالزام‌آور می‌توانند در سلسله مراتب هنجاری ارتقاء پیدا کنند و تبدیل به قواعد امره جدید شوند.

**۲. ملاحظات اخلاقی**

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**۳. مواد و روش‌ها**

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**۴. یافته‌ها**

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، مصادیق متعدد حقوق زندانیان در یک طبقه‌بندی خاص قرار گرفتند. طبقه اول قواعد بنیادین هستند. این قواعد در واقع جزئی از مصادیق حقوق بنیادین بشر هستند که در ادبیات حقوق بین‌الملل

بررسی نمائیم. روش انجام پژوهش نظری، توصیفی-تحلیلی و از طریق مصاحبه با کارشناسان امور زندانیان و مشاهده وضعیت موجود زندان‌ها بوده می‌باشد، که اهداف آن در دو جایگاه علمی و کاربردی قابل بررسی است. در نهایت با توجه به عدم وجود یک نهاد مستقل غیردولتی جهت ضمانت تحقق معیارهای حقوق بشری زندانیان، سیاسی‌کاری نهادهای فعال و عدم اطلاع یا کم اطلاعی تهیه‌کنندگان قوانین و آئین‌نامه‌ها، پیشنهادهای کاربردی با تأکید موکد بر روی مقوله مغفول مانده امنیت در زندان‌ها بعنوان پیش‌نیاز تحقق هرگونه معیار حقوق بشری زندانیان ارائه گردیده است (۱).

مقاله «بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر» نوشته حسن مرادزاده که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، اصولاً معلولیت جسمی رافع مسؤولیت کیفری نیست و معلول مرتکب جرم باید مجازات عمل مجرمانه خویش را متحمل شود. در این موارد شرایط جسمی مرتکب ایجاب می‌نماید که نحوه اعمال مجازات با وضعیت وی تطبیق داده شود. در رأیی که دیوان اروپایی حقوق بشر در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۶ علیه دولت فرانسه صادر نمود این مطلب را خاطر نشان ساخت که دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید در اعمال مجازات حبس علیه اشخاص دارای معلولیت به اصل مناسب‌سازی زندان توجهی ویژه مبذول دارند تا کرامت ذاتی آنها پاس داشته شود (۲).

### ۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

در اغلب پژوهش‌های حاضر، مصادیق حقوق بشر در ارتباط با وضعیت زندانیان مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. اما در پژوهش حاضر تأکید ما بر سلسله مراتب هنجاری و وصف امره برخی از مصادیق حقوق بشر و اثر غیرقابل عدول بودن آنها می‌باشد.

### ۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

آثار مصادیق حقوق بشر بنیادین که دارای وصف امره می‌باشند در فضای حقوق مسئولیت دولت‌ها متنوع و شدید

موضوعه، مصادیقی از قواعد امره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. این قواعد در رأس هرم سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل قرار دارند و سایر هنجارها نمی‌توانند در تعارض با آنها قرار گیرند. یکی از ویژگی‌های این دسته از قواعد، این است که اساساً قواعد مزبور قابل عدول نیستند. به این معنا که هیچ دولتی نمی‌تواند به استناد علل و عوامل موجهه و یا رافع مسئولیت مانند اقدام متقابل، رضایت زندانیان، دفاع مشروع و... این قواعد را اجرا نکند. به بیان ساده‌تر، قواعد بنیادین حقوق زندانیان در همه حال و در هر شرایطی باید اجرا شوند. این هنجارها و اسناد حقوق نرم هستند که با ایجاد همگرایی در عرصه روابط بین‌المللی، رویه عملی دولت‌ها را همسو و متمرکز نموده‌اند و از این طریق باعث شده‌اند که قواعد عرفی بین‌المللی شکل گیرد و در گام بعد قواعد مزبور به سطح قواعد امره حقوق بین‌الملل ارتقاء پیدا کنند. طبقه دوم قواعد غیربنیادین هستند. این دسته از قواعد فاقد پیشینه کنوانسیونی یا عرفی می‌باشند. به تعبیری، تعریف این قواعد یک نوآوری و تعریف مصادیق جدید برای حقوق زندانیان محسوب می‌شود.

## ۵. بحث

### ۵-۱. پیشینه تحقیق

مقاله «بررسی تطبیقی معیارهای حقوق بشر در خصوص زندانیان در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌المللی» نوشته علی خویشوند که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، از آنجا که جرم بعنوان یک پدیده همزاد اجتماع، از همان آغازین روزهای تشکیل جوامع بشری و گروه‌های اجتماعی ظهور و بروز یافته و امنیت و آسایش آنان را هدف قرار داده است، اجتماعات بشری را بر آن داشت تا با استفاده از ابزارهای گوناگون واکنش اجتماعی به مقابله با آن بپردازند. در این میان زندان بعنوان یکی از نخستین و رایج‌ترین ابزارهای واکنش اجتماعی همواره مورد توجه و استفاده مکاتب و نظام‌های حقوقی جهان بوده است. مقاله حاضر سعی دارد مقررات و معیارهای حقوق بشری راجع به زندانیان در نظام حقوقی ایران و حوزه بین‌الملل را به صورت تطبیقی نقد و

یک‌سو در راستای «حکومت قانون» نیاز به ثبات و از سوی دیگر در راستای ضرورت‌های متغیر زمانی (که به واسطهٔ سیاسی بودن یا به تعبیری منفعت‌محور بودن روابط) نیاز به انعطاف‌پذیری می‌باشد و تلاش جامعه بین‌المللی نیز در جهت برقراری تعادلی مطلوب میان این دو نیاز بوده است. یکی از مفاهیمی که در فضای روابط بین‌المللی در پاسخ به «نیاز به انعطاف‌پذیری» متولد شده است، مفهوم «حقوق نرم» می‌باشد (۵). مقصود از مفهوم حقوق نرم، قالب‌های نوظهوری می‌باشد که علی‌رغم فقدان عنصر الزام‌آوری، پایبندی را در روابط بین‌المللی ایجاد می‌کنند. اسنادی مانند اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، رویه‌های خلاف عرف‌های موجود و... که در فضای روابط بین‌المللی فاقد عنصر الزام‌آوری هستند اما به دلایل مختلف از سوی بازیگران حقوق بین‌الملل رعایت می‌شوند، همگی از جمله مصادیق حقوق نرم محسوب می‌شوند. نکتهٔ جالب توجه اینجاست که از یک‌سو بسیاری از مصادیق حقوق بیماران از طریق سازوکار اسناد و هنجارهای حقوق نرم وارد ادبیات حقوق بین‌الملل و آثار نویسندگان شده است و از سوی دیگر مفهوم حقوق نرم مورد انتقاد بسیاری از نویسندگان و حقوقدانان قرار گرفته است. یکی از جنبه‌های بسیار مهمی که منتقدان مفهوم حقوق نرم به آن تأکید دارند، مسئله سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل است. در واقع از نظر منتقدان، با تأکید بر سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل، وجود مفهوم حقوق نرم و دستاوردهای آن با چالش اساسی مواجه می‌شود.

باید دقت داشت که سلسله مراتب «هنجاری» با سلسله مراتب «منابع» حقوق بین‌الملل و فضای ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، متفاوت است. در اینجا مقصود ما سلسله هنجاری است. همچنین باید میان سلسله مراتب هنجاری در قالب معاهدات بین‌المللی و سلسله مراتب هنجاری در قالب عرف‌های بین‌المللی قائل به تفکیک شویم. در ارتباط با سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل میان حقوقدانان اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ حقوقدانان طرفدار مکاتب پوزیتیویستی یا اراده‌گرایی، سلسله مراتب هنجاری را مولود حقوق معاهدات می‌دانند، در نتیجه این مفهوم را محصور در

می‌باشد. در فضای حقوق مسئولیت دولت‌ها، مصادیق حقوق بنیادین بشری در هیچ شرایطی قابل عدول نمی‌باشند. به تعبیری، دولت‌ها نمی‌توانند به واسطه استناد به علل و عوامل رافع و موجهه مسئولیت مانند دفاع مشروع، اضطرار و... از اجرای تعهدات راجع به حقوق بنیادین امتناع کنند. در نتیجه لازم است که در ارتباط با وضعیت زندانیان، مشخص شود که کدامیک از مصادیق حقوق بشر در هر حال باید از سوی دولت‌ها رعایت شوند و کدامیک این امکان را دارند که به صورت موقت و در صورت وجود شرایط خاص (مانند اضطرار) معلق شوند.

#### ۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش حاضر، چند نکته حائز اهمیت است: اول اینکه، بررسی مصادیق حقوق بشری که در فرآیند اعمال کیفر حبس برای زندانیان موضوعیت دارد مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در نتیجه همه هنجارها و مصادیق حقوق بشر در دایره موضوعی پژوهش حاضر قرار ندارند. دوم اینکه، در پژوهش حاضر جایگاه حقوق مزبور در سلسله مراتب هنجاری مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت در نتیجه موقعیت این هنجارها در سایر حوزه‌ها مانند نظام‌های منطقه‌ای و یا داخلی در قلمرو موضوعات پژوهش حاضر قرار ندارد.

#### ۵-۵. سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل

نگاه کلاسیک به حقوق بین‌الملل نشأت گرفته از فضای معاهده صلح وستفاليا مورخ ۱۶۴۸ می‌باشد. از این منظر هستهٔ اصلی حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل رضایت دولت‌ها در پذیرش تعهدات بین‌المللی می‌باشد که در مقدمهٔ کنوانسیون حقوق معاهدات و اصول ملل متحد مورد اشاره قرار گرفته است (۳). در رویکرد کلاسیک به حقوق بین‌الملل، مفاد ماده ۳۸ اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان منابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. به بیان ساده‌تر باید‌ها و نبایدهای حقوق بین‌الملل از قالب‌های مندرج در ماده ۳۸ ناشی می‌شوند (۴). در فضای روابط بین‌المللی، از

حقوق معاهدات می‌دانند؛ سلسله مراتب هنجاری در فضای حقوق معاهدات به اشکال مختلف خودنمایی می‌کند، مانند معاهداتی که اعمال رزرو یا شرط را نسبت به برخی مقررات خود ممنوع می‌کنند که این امر نشان از سلسله مراتب میان مقررات معاهده مزبور دارد، و یا در مواردی برخی معاهدات، شماری از ترتیبات خود را در هر شرایطی غیرقابل تعلیق اعلام کرده‌اند. مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی که مطابق مفاد ماده ۴ این میثاق، برخی حقوق به عنوان "حقوق غیرقابل تخطی" در کلیه شرایط تلقی شده‌اند؛ یا به عبارت ساده‌تر تجاوز به این حقوق از جانب دولت‌ها تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست. در آثار حقوقدانان از این حقوق با عنوان «حقوق بنیادین بشری» یاد شده است؛ صورت دیگر از سلسله مراتب را می‌توان در بحث قواعد آمره مشاهده کرد. اما در مقابل برخی حقوقدانان معتقد هستند که اصولاً سلسله مراتب هنجاری صرفاً محدود به فضای حقوق معاهدات نیست بلکه بر سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل نیز تأثیر گذاشته است (۶).

منتقدان مفهوم حقوق نرم در جهت نقد این مفهوم، بر وجود هنجارمندی نسبی در حقوق بین‌الملل تأکید دارند. از نظر این دسته از حقوقدانان صرف تشخیص اینکه چه چیزی در سطح بین‌المللی «حقوق» محسوب می‌شود، مسئله پیچیده و سختی است. به بیان ساده‌تر از نظر این دسته از نویسندگان، در ارتباط با آستانه و مرز هنجاری در فضای حقوق و غیرحقوق ابهام وجود دارد (۷). منطقی‌اً قائل بودن به وجود هنجارمندی در قواعد حقوق بین‌المللی، منتهی به وجود سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل می‌شود (۸). یعنی اگر قواعد موجود مختلف و متفاوت هستند (مانند قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول ناشی از آنها و تعهدات ناشی از منشور ملل متحد) در نتیجه باید وزن حقوقی تعهدات ناشی از آنها نیز با یکدیگر متفاوت باشد؛ پس باید قائل به طبقه‌بندی آنها باشیم. اما دلیل اینکه چرا مفاهیم قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول منتهی به وجود سلسله مراتب هنجاری در نظام حقوق بین‌الملل می‌شود، در تعریف این مفاهیم نهفته است. تعریف قواعد آمره با توجه به مفاد ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ عبارت است از: "قاعده‌ای که از سوی جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل به

عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر شناخته شده و پذیرفته شده است و هیچ‌گونه تخطی از آن مجاز نیست و تنها با یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تغییر است". مصادیق این دسته از قواعد در کنوانسیون وین مشخص نشده است و به رویه بین‌المللی موقوف شده است، مع الوصف تاکنون ممنوعیت توسل به زور، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت نسل‌زدایی با توجه به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه بین‌المللی دولت‌ها به عنوان مصادیق مسلم قواعد آمره مورد شناسایی قرار گرفته‌اند (۹). در نتیجه این قواعد در طبقه‌ای بالاتر از سایر هنجارهای حقوق بین‌الملل که فاقد این وصف هستند قرار دارند. مفهوم تعهدات عام‌الشمول نیز در مقدمه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن پاراگراف ۳۳، چنین تعریف شده است: "باید میان تعهدات یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی در کل و تعهدات او در برابر هر دولت دیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک تفکیک قائل شویم. تعهدات دسته اول به دلیل ماهیتشان مرتبط با تمامی دولت‌ها هستند. لذا با توجه به اهمیت حقوق مزبور، تمامی دولت‌ها در حمایت از آنها دارای نفع حقوقی هستند. آنها (تعهدات دسته نخست) تعهداتی عام (ارگا آمنس) هستند." در نتیجه، با تعریف طبقه‌بندی قواعد حقوق بین‌المللی، جایی برای قواعد حقوق نرم باقی نمی‌ماند، زیرا دارای تفاوت مبنایی با قواعد حقوق بین‌الملل با وصف الزام‌آوری هستند. پس باید فضای دیگری خارج از حقوق برای آنها قائل شویم (۱۰).

شاید چنین به نظر برسد که اگر استدلال ما در جهت نفی وجود سلسله مراتب در فضای حقوق بین‌الملل باشد، اشکال منتقدان پاسخ داده می‌شود، حال آنکه به نظر می‌رسد این روش، در واقع پاک کردن صورت سؤال باشد و از طرفی با توجه به شواهد مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که نفوذ بحث سلسله مراتب هنجاری در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل دارای آثاری با شدت و ضعف مختلف، بوده است. آثار بحث سلسله مراتب هنجاری را در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل می‌توان مشاهده کرد، که حاصل تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌باشند: یکی از این حوزه‌ها حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد. در طرح

باشیم. در این دیدگاه گسترده و منعطف، نهادهای چندجانبه بین‌المللی مانند سازمان‌های بین‌المللی با صدور اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها در واقع، گام اولیه در فرآیند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی یعنی مطرح نیازها در سطح بین‌المللی و سنجش میزان استقبال و گرایش جامعه بین‌المللی به نیاز مزبور را برمی‌دارند (۱۴)، بدین صورت که: «نقطه آغاز یا حمایت گسترده از اغلب تحولات در حقوق بین‌الملل، پیشنهادات، گزارش‌ها، قطعنامه‌ها، معاهدات یا پروتکل‌های مطرح شده در نهادهای بین‌المللی می‌باشد. در آنجا، نمایندگان دولت‌ها و سایر گروه‌های ذی‌نفع برای بحث پیرامون دغدغه‌های متقابل در مورد مسائل مهم بین‌المللی گردهم جمع می‌شوند. گاهی اوقات این تلاش‌ها منجر به یک اجماع در مورد حل مسئله و بیان آن در قالب یک شرایط هنجاری از برنامه کلی می‌شود. در برخی موارد دیگر، حقوق بالقوه جدید از طریق ابزار روابط بین‌المللی یا رویه موسسات بین‌المللی تخصصی توسعه پیدا می‌کند و در گامه‌ای بعدی در نهادهای بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. این فرآیند توجهات را به قاعده جلب می‌کند و به شکل‌گیری و استحکام آن کمک می‌کند» (۱۴).

در نتیجه هدف ما در اینجا بحث پیرامون سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل نیست، بلکه در فرض پذیرش اینکه در میان هنجارهای الزام‌آور حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب وجود دارد، اولاً این چالش باقی است که جایگاه هریک از قواعد مختلف حقوق بین‌الملل باید در سلسله مراتب مذکور مشخص شود، ثانیاً در فرض وجود این سلسله مراتب و مشخص شدن طبقات و محتوای طبقات آن، حتی اگر حقوق نرم به عنوان یک مفهوم غیرحقوقی مورد پذیرش قرار گیرد، باز هم مصادیق اسناد و هنجارهای حقوق نرم مانند قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و به طور کلی بازیگران غیردولتی نقش بسیار مهمی را در ایجاد و تقویت رویه‌های عرفی و کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور ایفا می‌کنند. برخی نویسندگان حقوق بین‌الملل در پاسخ، به نقد دیدگاه کلاسیک حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و معتقدند که در فضای فعلی حقوق بین‌الملل باید قائل به یک دیدگاه گسترده‌تر و منعطف‌تر در مورد فرآیند تشکیل قواعد حقوق بین‌الملل

کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱، کمیسیون حقوق بین‌الملل میان موارد نقض‌های فاحش قواعد آمره (ماده ۴۱) و نقض تعهدات عام‌الشمول (ماده ۴۸) با نقض سایر قواعد حقوق بین‌الملل تفکیک قائل شده است و برای سایر دولت‌ها نیز در موارد مواجهه با چنین نقض‌هایی، تعهداتی را در نظر گرفته است (۱۱). حوزه دوم حمایت دیپلماتیک می‌باشد. حمایت دیپلماتیک یکی از حوزه‌هایی می‌باشد که ارتباط تامی با حاکمیت ملی دولت‌ها دارد. به بیان ساده‌تر حمایت دیپلماتیک حق دولت‌ها در حمایت از اتباع آنها می‌باشد. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حمایت دیپلماتیک مصوب ۲۰۰۶ در ماده ۱۹ و تفسیر آن، در موارد نقض‌های فاحش حقوق بشر دولت‌ها را توصیه به حمایت دیپلماتیک از اتباعشان می‌کند علی‌رغم اینکه حمایت دیپلماتیک حق دولت می‌باشد (۱۲). حوزه سوم رزرو بر معاهدات بین‌المللی می‌باشد. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد راهنمای اعمال شرط بر معاهدات بین‌المللی مصوب ۲۰۱۱، اعمال شرط بر معاهداتی که منعکس‌کننده قواعد آمره باشد، فاقد اثر است (۱۳).

در نتیجه هدف ما در اینجا بحث پیرامون سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل نیست، بلکه در فرض پذیرش اینکه در میان هنجارهای الزام‌آور حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب وجود دارد، اولاً این چالش باقی است که جایگاه هریک از قواعد مختلف حقوق بین‌الملل باید در سلسله مراتب مذکور مشخص شود، ثانیاً در فرض وجود این سلسله مراتب و مشخص شدن طبقات و محتوای طبقات آن، حتی اگر حقوق نرم به عنوان یک مفهوم غیرحقوقی مورد پذیرش قرار گیرد، باز هم مصادیق اسناد و هنجارهای حقوق نرم مانند قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و به طور کلی بازیگران غیردولتی نقش بسیار مهمی را در ایجاد و تقویت رویه‌های عرفی و کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور ایفا می‌کنند. برخی نویسندگان حقوق بین‌الملل در پاسخ، به نقد دیدگاه کلاسیک حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و معتقدند که در فضای فعلی حقوق بین‌الملل باید قائل به یک دیدگاه گسترده‌تر و منعطف‌تر در مورد فرآیند تشکیل قواعد حقوق بین‌الملل



**۵-۶. مصادیق امره هنجارهای حقوق بشر**

همانطور که پیشتر اشاره کردیم، قواعد امره در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل قرار دارند. به بیان ساده‌تر، سایر هنجارهای حقوق بین‌الملل نمی‌توانند در تعارض با قواعد مزبور قرار گیرند. در هیچ سند بین‌المللی لیستی از مصادیق قواعد امره حقوق بین‌الملل مشخص نشده است (۱۶). برای تشخیص مصادیق قواعد امره باید در هر حوزه خاص با توجه به مجموعه هنجارها و رویه‌های بازیگران بین‌المللی، مصادیق مزبور را تشخیص داد. مطابق با تعریف قواعد امره که در کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات بیان شده است، قواعد امره دارای یک ویژگی خاص هستند و آن اینکه، از سوی «جامعه بین‌المللی در کل» به عنوان یک هنجار غیرقابل عدول مورد شناسایی قرار گرفته باشند (۱۷).

در فضای حقوق بشر برخی از هنجارهای حقوق بشر به عنوان قواعد غیر قابل عدول مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. مطابق مفاد ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، برخی از تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در هیچ حالتی (حتی در شرایط اضطراری) قابل تعلیق نیستند. حقوق مزبور عبارتند از: ۱. ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض نژادی اعم از تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی؛ ۲. حق حیات؛ ۳. ممنوعیت آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه از جمله تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی قرار دادن؛ ۴. ممنوعیت بردگی و خرید و فروش برده؛ ۵. ممنوعیت حبس افراد به علت عدم توانایی اجرای تعهد قراردادی؛ ۶. عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی؛ ۷. تعهد به شناسایی شخصیت افراد انسانی؛ ۸. حق آزادی فکر، وجدان و مذهب؛ از نظر برخی نویسندگان، تعهدات فوق، مصادیق بارز قواعد امره در فضای حقوق بشر بین‌المللی محسوب می‌شوند. در نتیجه این قواعد در رأس سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بین‌الملل قرار دارند (۶).

**۵-۷. منابع حقوق زندانیان**

محروریت افراد از آزادی، گاهی اوقات از منظر حقوق بشردوستانه یا به تعبیری به دلایل مربوط به مخاصمات

مسلحانه (اعم از مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی)، و گاهی از منظر حقوق بشر، قابل بررسی می‌باشد. اما این تفکیک به دلایل مختلف مانع از این نیست که ما اسناد حقوق بشری مرتبط را مورد قرار ندهیم. دلیل اول اینکه بسیاری از مصادیق حقوق بشر و بشردوستانه نسبت به یکدیگر همپوشانی نسبی دارند (مانند ممنوعیت شکنجه چه در فضای مخاصمات مسلحانه و چه در غیر آن)، و بسیاری از مصادیق حقوق بشردوستانه در اسناد حقوق بشر و بسیاری از مصادیق حقوق بشر در اسناد حقوق بشردوستانه بیان شده‌اند (۱۸). دلیل دوم اینکه استانداردهای بنیادین بشریت که در واقع سنگ‌بنای حقوق بنیادین می‌باشند در هر دو حوزه حقوق بشر و بشردوستانه در واقع مشترک هستند؛ که این امر در پیوستگی اسناد پایه‌ای حقوق بشر و بشردوستانه (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های ژنو، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، و...) مشهود است. به بیان ساده‌تر استانداردهای بنیادین بشریت زبان مشترک حقوق بشر و بشردوستانه محسوب می‌شوند (۱۹). دلیل دیگر اینکه اصولاً تفکیک کلاسیک قواعد حقوق بشر و بشردوستانه به معنای این نیست که: چنانچه در یک وضعیت خاص (مثلاً مخاصمه مسلحانه) مقررات حقوق بشردوستانه اعمال شود، به معنای عدم امکان اعمال مقررات حقوق بشر خواهد بود (۲۰-۲۲). در نتیجه این دو مقوله در واقع مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند و مرزبندی‌های کلاسیک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با چالش مواجه شده است (۲۳). مع الوصف به لحاظ تاریخی بحث افراد محروم از آزادی ابتدا در فضای حقوق مخاصمات مسلحانه و بحث رفتار با اسیران جنگی مطرح شده است. ما نیز به تبع این روند تاریخی، بحث خود را از فضای حقوق بشردوستانه آغاز می‌کنیم.

یکی از جنبه‌های مهم حقوق بشری در فضای مخاصمات مسلحانه، بحث نحوه رفتار با زندانیان (اسیران) جنگی می‌باشد. اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه به طور سنتی به دو بخش حقوق لاهه ناظر بر هدایت عملیات جنگی و محدودیت‌های نظامی و حقوق ژنو ناظر بر حقوق راجع به غیرنظامیان تقسیم می‌گردد (۲۴). لیکن با تصویب

پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «مشروعیت تهدید به یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای» این تفکیک از میان رفته و حقوق بشردوستانه به صورت یک مجموعه تفکیک‌ناپذیر از قواعد مربوط به حمایت از افراد و محدودیت‌های نظامی درآمده است (۶). قواعد و مقررات مربوط به رفتار با زندانیان جنگی در مجموعه گسترده‌ای از اسناد بین‌المللی تبلور یافته است. اولین سندی که این قواعد و مقررات را به صورت محدود، در نظر گرفته است، اعلامیه بروکسل مورخ ۱۸۷۴ می‌باشد. اعلامیه بروکسل در واقع راجع به حقوق و عرف‌های جنگی بود که متعاقب کنفرانس جولای ۱۸۷۴ به تصویب رسید. این سند به طور خاص در مواد ۲۳ و ۲۴ به بحث رفتار با زندانیان جنگی پرداخته است. پس از اعلامیه بروکسل، مقررات کنوانسیون چهارم لاهه مورخ ۱۹۰۷ ذیل فصل دوم (مواد ۴ الی ۲۰) مقرراتی را به مسئله رفتار با زندانیان جنگی اختصاص داد. در حدود بیست سال بعد عهدنامه ژنو مورخ ۱۹۲۹ راجع به بهبود سرنوشت زندانیان جنگی به تصویب رسید. مع‌الوصف اجرای اسناد مزبور در طول جنگ جهانی از سال ۱۹۴۱ و رفتار آلمان با زندانیان جنگی کشورهای لهستان، بلژیک، نروژ، یونان و یگسلاوی به چالش کشیده شد. در سال ۱۹۴۹ کنوانسیون ژنو راجع به رفتار با زندانیان جنگی به تصویب رسید. این کنوانسیون در واقع مقررات کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو را مورد بازبینی، تکمیل و تأیید قرار داد. مقررات کنوانسیون ژنو را می‌توان بدنه سخت حقوق بشردوستانه دانست. در دهه ۴۰ میلادی، به موازات کنوانسیون ژنو و حقوق بشردوستانه، مسئله وضعیت زندانیان از منظر حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفت و در اولین گام، ذیل ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ممنوعیت زندانی کردن خودسرانه افراد را اعلام کرد. پس از آن در سال ۱۹۵۵ قواعد استانداردهای حداقلی برای رفتار با زندانیان توسط اولین کنفرانس ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین و سپس در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۷۷ در قالب قطعنامه به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد رسید. از فضای همین اسناد نرم (اعلامیه حقوق بشر و

اعلامیه قواعد استانداردهای حداقلی برای رفتار با زندانیان)، در سال ۱۹۶۶ حقوق زندانیان مورد توجه میثاق حقوق مدنی و سیاسی قرار گرفت و وارد فضای حقوق سخت شد. استناد مکرر به محتوای اسناد نرم مزبور در روند تصویب میثاق و به ویژه تصویب ماده ۱۰، شاهد این مدعی است (۲۵). ناگفته نماند که همین اسناد نرم بعدها باعث ایجاد رویه منطقه در اتحادیه اروپا شدند. برای مثال قواعد زندان اروپایی که در سال ۱۹۷۳ به تصویب کمیته وزیران شورای اروپا رسید، در واقع بر اساس قواعد استانداردهای حداقلی برای رفتار با زندانیان طراحی شده بود (۲۶).

در صدر ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در قامت یک اصل کلی، یک حق اساسی برای کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، به رسمیت شناخته شده، که همان رفتار با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان است. شاید در ادبیات نویسندگان حقوق بین‌الملل، میثاق حقوق مدنی و سیاسی متعلق به فضای حقوق بشر باشد، اما نباید از نظر دور داشت که در ماده ۱۰ میثاق رفتار با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان، به طور مطلق و بدون توجه به نوع محرومیت از آزادی (اعم از بازداشت، حبس، زندان و...) و فضای این محرومیت (اعم از جنگ، صلح، مخاصمات مسلحانه داخلی و...) مورد بحث قرار گرفته است (۲۷). پس می‌توان گفت: مقررات کنوانسیون ژنو و میثاق حقوق مدنی و سیاسی چهارچوب حقوق سخت مربوط به رفتار با افراد محروم از آزادی را ترسیم می‌کند. اما اسناد نرم بعدی یک دید وسیع‌تر نسبت به حقوق افراد محروم از آزادی ارائه می‌کنند. ادبیات اسناد نرم بعدی تمایل به قالب اصول کلی پیدا کرده و در قالب فضای حقوق بشر که نسبت به حقوق بشردوستانه گسترده‌تر است، مطرح شده‌اند. در همین راستا در سال ۱۹۸۸، مجموعه اصول حفاظت از همه افراد تحت هر نوع حبس یا زندان در قالب قطعنامه ۴۳/۱۷۳ تحت عنوان اصول محافظت از همه افراد تحت هر نوع بازداشت یا حبس، به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید. با فاصله کمی، در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی قطعنامه اصول اساسی برای رفتار با زندانیان را به تصویب رساند. در سال ۲۰۱۱ مجمع عمومی



تعیین سرنوشت این افراد با محرومیت آنها از آزادی سلب می‌شود، رنج‌آور هستند. بنابراین سیستم زندان نباید، جز موارد غیرمعمول برای جدایی قابل توجیه یا برای حفظ نظم، رنج ذاتی ناشی از چنین شرایطی تشدید شود.

قاعده ۴: هدف از مجازات حبس یا اقدامات مشابه محروم‌کننده آزادی افراد، عمدتاً برای حفاظت جامعه در مقابل جنایت و کاهش تکرار جنایت، می‌باشد. فقط اگر دوره حبس برای تضمین حداکثری پیوستن مجدد چنین افرادی به جامعه پس از آزادی، به نحوی که آنها بتوانند یک زندگی مطیع قانون و بی‌نیاز از کمک را هدایت کنند، مورد استفاده قرار گیرد، این اهداف حاصل می‌شوند.

قاعده ۵: سازمان زندان باید برای به حداقل رساندن هرگونه تفاوت میان زندگی در زندان و زندگی در آزادی، در جهت کاهش مسئولیت زندانیان یا احترام به حیثیت آنها به عنوان انسان، تلاش کند.

در حال حاضر، مفاد قواعد پنجگانه فوق به واسطه تکرار در رویه بین‌المللی در قامت اصول ذیل مورد شناسایی قرار گرفته‌اند:

الف. رفتار توأم با احترام به حیثیت و ارزش ذاتی انسان با زندانیان؛ این اصل پیشتر در ماده ۷۶ کد لیبِر (مورخ ۱۸۶۳ که در واقع اولین تلاش برای تدوین حقوق جنگ محسوب می‌شود)، ماده ۲۳ اعلامیه بروکسل، ماده ۶۳ راهنمای آکسفورد (مورخ ۱۸۸۰ که توسط مؤسسه حقوق بین‌الملل به تصویب رسید)، ماده ۴ مقررات لاهه، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، بند اول اصول بنیادین رفتار با زندانیان (قطعنامه ۴۵/۱۱۱ مجمع عمومی ملل متحد مورخ دسامبر ۱۹۹۰) و نیز اصل اول مجموعه اصول حفاظت از همه افراد تحت هر نوع حبس یا زندان (قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی ملل متحد مورخ دسامبر ۱۹۸۸) مورد تصریح قرار گرفته است. علاوه بر این اسناد، این اصل در رویه داخلی دولت‌ها نیز به صورت گسترده مدنظر قرار گرفته است. در میان مصادیق مختلف رویه داخلی دولت‌ها، قوانین و مقررات داخلی که عمدتاً در زمینه حقوق مخاصمات مسلحانه در قالب دستورالعمل‌های نظامی به تصویب رسیده و منتشر شده‌اند،

ملل متحد کارگروهی متشکل از کارشناسان دولتی را برای بررسی و امکان تجدیدنظر در اعلامیه قواعد استانداردهای حداقلی برای رفتار با زندانیان، تشکیل داد. در دسامبر ۲۰۱۵، استانداردهای مزبور در قالب قطعنامه ۷۰/۱۷۵ مجمع عمومی ملل متحد، مورد بازبینی قرار گرفت و به احترام رئیس‌جمهور فقید آفریقای جنوبی، آقای نلسون ماندلا، تحت عنوان قواعد نلسون ماندلا نام‌گذاری شد. بنابراین در حال حاضر قواعد ماندلا جدیدترین سند در ارتباط با حقوق افراد محروم از آزادی می‌باشد (۶). اما این اسناد چه حقوقی را به مصادیق حقوق افراد محروم از آزادی اضافه نموده است؟ در ادامه ضمن بررسی محتوای قواعد ماندلا به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت.

#### ۵-۸. مصادیق حقوق بشر قابل اعمال در فرآیند حبس

نکته اول اینکه، قواعد ماندلا در گام اول، اصولی را به عنوان اصول بنیادین معرفی می‌کند که اصول مزبور در فضای رویه بین‌المللی و سایر اسناد بین‌المللی، به واسطه تکرار و تأکید دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشند (۶). مفاد قواعد شماره ۱ الی ۵ بدین صورت است که:

قاعده ۱: باید نسبت به تمام زندانیان، با توجه به حیثیت و ارزش ذاتی آنها به عنوان انسان، رفتار توأم با احترام داشت. هیچ زندانی نباید تحت شکنجه قرار گیرد و همه زندانیان باید در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، که در هیچ شرایطی مطلقاً نمی‌تواند به عنوان یک توجیه مورد استناد قرار گیرد، حفاظت شوند. ایمنی و امنیت زندانیان، کارکنان، ارائه‌کنندگان خدمات و بازدیدکنندگان باید در هر زمانی تضمین شود.

قاعده ۲: قواعد حاضر باید بی‌طرفانه اعمال شوند. هیچ تبعیضی بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا غیرسیاسی، اصالت ملی یا اجتماعی، اموال، تولد و یا هر وضعیت دیگر، نباید وجود داشته باشد. باورهای مذهبی و اصول اخلاقی زندانیان باید مورد احترام باشد.

قاعده ۳: حبس و سایر اقداماتی که منجر به منفصل کردن افراد از دنیای خارج می‌شوند، به واسطه این واقعیت که حق

بهترین نمونه برای ترسیم جهت‌گیری رویه دولت‌ها محسوب می‌شوند (۲۸).

ب. ممنوعیت شکنجه یا هر نوع بدرفتاری دیگر؛ ممنوعیت شکنجه و آثار آن در ماده ۱۶ کد لیبر، ماده ۶ منشور دادگاه نظامی نورمبرگ، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، برخی مقررات خاص کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مانند ماده ۱۲ کنوانسیون اول، ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (به عنوان نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو)، اصول ۶ و ۳۳ مجموعه اصول حفاظت از همه افراد تحت هر نوع حبس یا زندان نیز مورد تصریح قرار گرفته است. از طرفی این اصل نیز به صورت بسیار گسترده در رویه داخلی دولت‌ها نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (۲۸).

ج. رفتار با زندانیان با توجه به نیازهای آنها و بدون هرگونه تبعیض؛ ممنوعیت اعمال هر نوع تبعیض در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، ماده ۱۶ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۱۳ کنوانسیون چهارم ژنو، بندهای ۲ و ۹ اصول بنیادین رفتار با زندانیان مورد تصریح قرار گرفته است. این اصل نیز به صورت گسترده در رویه داخلی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (۲۸).

د. هدف از حبس باید حفاظت جامعه و کاهش ارتکاب مجدد جرائم باشد؛ این اصل به عکس اصول قبل، کمتر در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. اما در عین حال در نظام حقوق داخلی دولت‌ها و در ادبیات نویسندگان حقوق کیفری جزئی از اصول عام محسوب می‌شود (۲۹).

ه. تضمین ایمنی زندانیان، کارکنان، ارائه‌دهندگان خدمات و بازدیدکنندگان در همه حال دارای اولویت می‌باشد (۳۰).

نکته دوم که باید مدنظر قرار داد این است که در میان پنج اصل بنیادین مزبور، سه اصل اول در یک قالب کلی بیان شده‌اند، به نحوی که هم در بحث حقوق زندانیان جنگی (اسیران جنگی) و نیز در بحث حقوق سایر زندانیان قابلیت اعمال را دارند. اما دو اصل آخر به طور خاص به وضعیت زندانیان غیرجنگی می‌پردازد. سه اصل اول (که قابلیت اعمال نسبت به وضعیت تمام افراد محروم از آزادی را دارند) در واقع

به صورت مستقیم اشاره به برخی مصادیق حقوق بنیادین بشر دارند (۶).

نکته سوم در ارتباط با مصادیق حقوق بنیادین بشر و ویژگی خاص آنها می‌باشد. مصادیق حقوق بنیادین بشر یا همان حقوق غیرقابل عدول در تمام شرایط (اعم از زمان صلح و جنگ) در میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان شده‌اند. مطابق مفاد ماده ۴ این میثاق، برخی حقوق به عنوان "حقوق غیرقابل عدول" در کلیه شرایط تلقی شده‌اند؛ یا به عبارت ساده‌تر عقب‌نشینی به این حقوق از جانب دولت‌ها تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست. این حقوق غیرقابل عدول عبارتند از:

۱. ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض نژادی اعم از تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی؛
۲. حق حیات؛ که از حقوق ذاتی انسان است. این حق باید به موجب قانون رعایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه و بدون مجوز از زندگی محروم کرد؛ در دولت‌هایی که مجازات اعدام لغو نشده، صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌ها راجع به جلوگیری و مجازات جرم ژنوسید منافات داشته باشد. همچنین هر محکوم به اعدام حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات کند. نهایتاً به موجب مفاد ماده ۶ میثاق، در هیچ حالت حکم اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌گردد و نیز این حکم در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.
۳. ممنوعیت آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه (از جمله تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی قرار دادن).
۴. ممنوعیت بردگی و خرید و فروش برده؛
۵. ممنوعیت حبس افراد به علت عدم توانایی اجرای تعهد قراردادی؛
۶. عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی؛ به موجب مفاد بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، هیچ‌کس به سبب فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده است، محکوم نمی‌شود. همچنین، هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه قانون در زمان ارتکاب جرم مقرر داشته است، در نظر نخواهد گرفت.
۷. تعهد به شناسایی شخصیت افراد انسانی؛
۸. حق آزادی فکر، وجدان و مذهب؛

مصادیق اصول غیربنیادین بسیار گسترده می‌باشند و عمدتاً فاقد پیشینه کنوانسیون و عرفی در سطح جهانی یا حتی منطقه‌ای هستند. اما دلیل این امر چیست؟ باید دقت داشت که حقوق زندانیان جنگی یا به تعبیری اسرای جنگی به واسطه سابقه طولانی در ادبیات حقوق و روابط بین‌الملل و نیز اهمیت حقوق افراد انسانی در فضای مخاصمات مسلحانه (که همیشه به عنوان یکی از نگرانی‌های جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود) دارای قواعد کنوانسیون و عرفی مسلمی می‌باشد؛ اما این شرایط بر وضعیت حقوق زندانیان (غیر مخاصمات مسلحانه) حاکم نبوده است (۶). نتیجه منطقی این است که:

نقش آفرینی اسناد نرم در بحث حقوق اسیران مخاصمات مسلحانه بیشتر در زمینه اصول مشترک مربوط به حقوق تمام افراد محروم از آزادی (اعم از اسیران و زندانیان) و همچنین در جهت اعتلاء جایگاه مصادیق حقوق بشردوستانه به حوزه قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول می‌باشد، در مقابل، در بحث حقوق سایر زندانیان، نقش اسناد نرم بیشتر در جهت نوآوری و تعریف قواعد جدید به نفع وضعیت زندانیان است (۱۶). پس از بررسی اصول بنیادین حقوق زندانیان، در ادامه اشاره‌ای کوتاه به مصادیق طبقه دوم حقوق زندانیان، یعنی قواعد غیربنیادین، خواهیم داشت.

قواعد غیربنیادین ماندلا از حیث موضوعی به چند دسته تقسیم می‌شوند و هر کدام دارای مصادیق متعددی می‌باشند که عبارتند از:

الف. قواعد مربوط به پذیرش زندانی: برخی از این قواعد عبارتند از حبس زندانی در نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت (مفاد قاعده ۵۹)، ثبت دقیق اطلاعات زندانی اعم از اطلاعات مربوط به شناسایی، بیماری‌ها، صدمات و... (مفاد قواعد ۷ و ۸)، اطلاع‌رسانی دقیق مقررات زندان به زبانی که زندانی متوجه می‌شود (مفاد قواعد ۵۴ و ۵۵)، دریافت و حفظ اموالی که زندانی نمی‌تواند در مدت حبس با خود داشته باشد (مفاد قواعد ۷ و ۶۷)، انجام آزمایش‌های پزشکی برای نیازهای مربوط به سلامت (مفاد قواعد ۳۰ و ۳۴).

ب. قواعد مربوط به تفکیک زندانیان: به جهت تسهیل در حفاظت و نگهداری از زندانیان، باید از حیث جنسیت، وضعیت

این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات خود، خواه به طور فردی یا جماعت، خواه به طور علنی یا در خفا، در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی است. همچنین هیچ‌کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات منتخب خودش لطمه وارد آورد. آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی کرد مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، تظلم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد (۱۷).

ویژگی خاص حقوق بنیادین بشر که در اینجا باید بدان توجه داشت، غیرقابل عدول بودن است. باید توجه داشت میان دو مفهوم غیرقابل عدول بودن و غیرقابل نقض بودن، تفاوت زیادی وجود دارد. وقتی دولتی به واسطه وجود یک عذر موجه مانند معاذیر موجهه مسئولیت (اعم از اقدامات متقابل، دفاع مشروع و...) از انجام یک تعهد بین‌المللی خودداری می‌کند در واقع قاعده حقوقی که تعهد مزبور در آن بیان شده را نه نقض، بلکه از آن قاعده عدول کرده است. در نتیجه اصولاً عدول از یک قاعده امکان‌پذیر است مگر اینکه استثنائاً یک قاعده حقوقی به دلایل مختلف (از جمله آمره بودن) اساساً قابلیت عدول را نداشته باشد. اما در بحث نقض باید دقت داشت که هیچ قاعده حقوقی، (خواه قاعده امری، خواه غیر امری) قابل نقض نیست.

مع‌الوصف، غیرقابل عدول بودن، در واقع وصف مشترک حقوق بنیادین بشر و مفهوم قواعد آمره می‌باشد. به همین دلیل است که بسیاری از نویسندگان حقوق بین‌الملل، حقوق بنیادین بشر را یکی از مصادیق بارز قواعد آمره تلقی می‌کنند (۳۱، ۳۲). مع‌الوصف به نظر می‌رسد جایگاه ویژه اصول مبنایی (با توجه به سابقه عرفی و کنوانسیون گسترده) باعث شده است که قواعد ماندلا به دو طبقه قواعد مبنایی و سایر قواعد تقسیم شوند. بنابراین به نظر می‌رسد که جدا کردن اصول مبنایی از سایر قواعد در این سند نرم (قواعد ماندلا) در واقع در جهت تقویت رویه بین‌المللی برای اعتلای اصول مبنایی به حوزه قواعد آمره حقوق بین‌الملل باشد.

ز. قواعد مربوط به ارتباط با دنیای خارج از زندان: زندانیان حق دارند که به واسطه وسایل ارتباطی از جمله نامه، تلفن و... با خانواده و دوستان خود در تماس باشند. همچنین زندانیان حق دارند که در ارتباط با وضعیت حبس خود، نقل و انتقالات و بیماری‌ها و صدمات جدی، با خانواده و دوستان خود مکاتبه کنند (مفاد قواعد ۴۳، ۵۸-۶۰، ۶۸ و ۷۰). همچنین زندانیان برای دیدار با وکلای خود باید وقت و زمان مناسب و همچنین امکانات محرمانه در اختیار داشته باشند (قواعد ۱۲۰، ۱۱۹، ۶۱، ۵۳، ۴۱). این قواعد همچنین در دستورالعمل‌ها و اصول راهنمای ملل متحد راجع به دسترسی به کمک‌های حقوقی در سیستم‌های عدالت کیفری مصوب مجمع عمومی ملل متحد مورخ ۲۰۱۲ نیز بیان شده است.

بیشتر قواعد ماندلا در واقع بیان دوباره قواعد حقوق زندانیان جنگی می‌باشد که در کنوانسیون ژنو راجع به رفتار با زندانیان جنگی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. اما باید توجه داشت که حقوق مزبور در کنوانسیون ژنو به طور مشخص برای زندانیان جنگی در نظر گرفته شده است. در نتیجه از طریق اسناد نرم، حقوق مزبور که دارای پیشینه کنوانسیونی و عرفی مسلم برای وضعیت اسیران جنگی می‌باشد، به وضعیت سایر زندانیان نیز تسری پیدا کرده است. البته نباید از نظر دور داشت که قواعد ماندلا در برخی مسائل به ویژه در حوزه نحوه رفتار با زندانیان نوآوری‌هایی نیز داشته است. این نوآوری‌ها گاهی در ارتباط با نحوه اجرای اصول کلی حقوق کنوانسیونی و عرفی موجود می‌باشد و گاهی نیز به طور کلی ایجادکننده مصداق جدید برای حقوق زندانیان است. برای مثال استفاده از سلول انفرادی فقط در موارد استثنایی (آن هم به عنوان آخرین حربه و تا حد امکان کوتاه مدت) و تحت سیستم نظارت مستقل و با توجه به مجوز مقام صلاحیت‌دار، مورد پذیرش قرار گرفته است (قاعده ۴۵). مورد دیگر که می‌توانیم در اینجا به آن اشاره کنیم ممنوعیت استفاده از زنجیر یا سایر ابزارهای محدودکننده فلزی می‌باشد که ذاتاً تحقیرآمیز و یا دردناک هستند (مفاد قاعده ۴۷). موارد مزبور در واقع قواعد مربوط به دایره شمول و نحوه اجرای اصل کلی رفتار انسانی با زندانیان می‌باشد.

(محکومین و متهمین) و همچنین سن (بزرگسالان و کودکان)، زندانیان طبقه‌بندی شوند (مفاد قاعده ۱۱)، همچنین از حیث زندانیان پرخطر و کم‌خطر (چه نسبت به کارکنان و چه نسبت به سایر زندانیان) نیز زندانیان باید دسته‌بندی شوند (مفاد قواعد ۹۴، ۹۳، ۸۹).

ج. قواعد مربوط به کارکنان زندان: حفظ همیشگی امنیت کارکنان زندان (مفاد قاعده ۱)، استفاده از کارکنان زن برای خدمت در بخش زنان (مفاد قواعد ۷۴ و ۸۱)، برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان (مفاد قواعد ۷۵ و ۷۶).

د. قواعد مربوط به فایل‌ها و سوابق: لزوم استقرار یک سامانه استاندارد مدیریت فایل‌های زندانیان (مفاد قواعد ۶ و ۱۰)، ثبت دقیق تمام سوابق (اعم از مشخصات، سوابق پزشکی و...) در سامانه مزبور (مفاد قواعد ۷-۹ و ۲۹ و ۹۲).

ه. قواعد مربوط کیفیت استقرار زندانیان: لزوم وجود سرویس بهداشتی پاکیزه، دسترسی به آب، همچنین دسترسی به لباس و لوازم بهداشتی ضروری به ویژه برای زنان (مفاد قواعد ۱۵، ۱۶ و ۱۸-۲۱)، تهیه آب آشامیدنی و غذا با کیفیت مطلوب، و همچنین عدم امکان قطع یا کاهش جیره غذایی یا آشامیدنی به عنوان تنبیه یا مجازات (مفاد قواعد ۴۳، ۴۲، ۳۵، ۲۲). البته در ارتباط با وضعیت زنان به طور خاص، مجمع عمومی ملل متحد در سال ۲۰۱۰ قواعد رفتار با زندانیان زن و موازین جایگزین حبس برای زنان مجرم را به تصویب رساند. این قواعد به قواعد بانکوک مشهور هستند که نسبت به قواعد ماندلا در واقع گسترده‌تر و مفصل‌تر می‌باشند.

و. قواعد مربوط به مسائل انضباطی و تنبیهی: اطلاعات مربوط به مقررات داخلی زندان، حقوق و تکالیف زندانیان، مجازات‌های تنبیهی و چگونگی دسترسی به مشاوره حقوقی، باید به زندانیان ارائه شود، همچنین ارائه این اطلاعات باید در قالب و زبان قابل فهم برای زندانیان باشد (مفاد قواعد ۵۴ و ۵۵). روش‌های بازرسی باید در حقوق و مقررات زندان درج شوند. تصمیمات مبنی بر بازرسی باید در موارد ضروری انجام گیرد و در ضمن بازرسی، حریم خصوصی زندانیان رعایت شود (مفاد قواعد ۵۰، ۵۳ و ۶۰).

## ۶. نتیجه گیری

در ارتباط با عنوان «زندانیان»، باید میان دو دسته از افراد قائل به تفکیک شویم: الف. زندانیان جنگی (اسیران جنگی)؛ ب. زندانیان عادی (افرادى که به علت ارتکاب جرم، مجازات حبس برای آنها در نظر گرفته شده است). در ادبیات حقوق بشردوستانه بین‌المللی، هنجارها و قواعد سخت یا الزام‌آور متعددی راجع به وضعیت زندانیان جنگی وجود دارد. اما در ارتباط با وضعیت زندانیان عادی، هنجارها و قواعد سخت به صورت معدود و در چهارچوب برخی قواعد و هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی وجود دارند. دلیل این امر نیز به اصل حاکمیت ملی دولت‌ها، اصل عدم مداخله در امور داخلی به ویژه در امور کیفری با تأکید بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها باز می‌گردد. با توجه به اصول مزبور، دولت‌ها در فضای روابط بین‌المللی، کمتر تمایل به پذیرش تعهدات بی‌نام‌مللی سخت یا الزام‌آور دارند. در مقابل، از آنجا که اسناد و هنجارهای حقوق نرم، فاقد وصف الزام‌آوری می‌باشند، دولت‌ها در برابر پذیرش تعهدات بین‌المللی در قالب اسناد مزبور، مقاومت زیادی نشان نمی‌دهند.

این مسئله باعث شده است که عملاً اسناد و هنجارهای حقوق نرم، کارکردها و نقش‌های مختلفی را (به ویژه در حوزه‌هایی که دولت‌ها در برابر پذیرش تعهدات بین‌المللی سخت و الزام‌آور مقاومت می‌کنند) ایفا می‌کنند. برای مثال، کمک به دولت‌ها در جهت افزایش همکاری‌های بین‌المللی در مواردی که دولت‌ها به واسطه وجود فضای بی‌اعتمادی، نگران ایجاد تعهدات الزام‌آور هستند؛ جلوگیری کردن از درگیر شدن دولت در مسائل سیاسی داخلی (از طریق عدم نیاز به تصویب اسناد حقوق نرم در فرآیند حقوق داخلی)، در مواردی که اختلاف‌نظرهای مراجع سیاسی تصمیم‌گیرنده و اجرایی تشدید یافته است؛ کاهش تنش و حساسیت در حوزه‌هایی که دولت‌ها حاضر به پذیرش توافق‌ها و تعهدات سخت بین‌المللی نیستند؛ ساده‌تر کردن روند مذاکرات بین‌المللی؛ ایجاد فضای باز برای نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در فرآیند ایجاد و حسب مورد جرح و تعدیل هنجارهای بین‌المللی.

فرضیه پژوهش حاضر بدین صورت به اثبات می‌رسد که، در پرتو اسناد و هنجارهای حقوق بشری مشاهده شد، مصادیق متعدد حقوق زندانیان در یک طبقه‌بندی خاص قرار گرفتند. طبقه اول قواعد بنیادین هستند. این قواعد در واقع جزئی از مصادیق حقوق بنیادین بشر هستند که در ادبیات حقوق بین‌الملل موضوعه، مصادیقی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. این قواعد در رأس هرم سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل قرار دارند و سایر هنجارها نمی‌توانند در تعارض با آنها قرار گیرند. یکی از ویژگی‌های این دسته از قواعد، این است که اساساً قواعد مزبور قابل عدول نیستند. به این معنا که هیچ دولتی نمی‌تواند به استناد علل و عوامل موجهه و یا رافع مسئولیت مانند اقدام متقابل، رضایت زندانیان، دفاع مشروع و... این قواعد را اجرا نکند. به بیان ساده‌تر، قواعد بنیادین حقوق زندانیان در همه حال و در هر شرایطی باید اجرا شوند. این هنجارها و اسناد حقوق نرم هستند که با ایجاد همگرایی در عرصه روابط بین‌المللی، رویه عملی دولت‌ها را همسو و متمرکز نموده‌اند و از این طریق باعث شده‌اند که قواعد عرفی بین‌المللی شکل گیرد و در گام بعد قواعد مزبور به سطح قواعد آمره حقوق بین‌الملل ارتقاء پیدا کنند.

طبقه دوم قواعد غیربنیادین هستند. این دسته از قواعد فاقد پیشینه کنوانسیون‌ی یا عرفی می‌باشند. به تعبیری، تعریف این قواعد یک نوآوری و تعریف مصادیق جدید برای حقوق زندانیان محسوب می‌شود. باید توجه داشت که اسناد و هنجارهای حقوق نرم در ارتباط با مصادیق جدید حقوق زندانیان می‌تواند با ایجاد همگرایی در رویه بین‌المللی دولت‌ها، زمینه را برای ورود به قواعد و هنجارهای مزبور به فضای حقوق سخت و الزام‌آور فراهم کند.

## ۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

### ۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

### ۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.



## References:

1. Khishvand A. A Comparative Study of Human Rights Criteria for Prisoners in the Iranian Legal System and International Law. *Research of Nations*. 2020;59(1):11-39.
2. Moradzadeh H. A suitable detention center for disabled prisoners from the perspective of the European Court of Human Rights. *Legal Research*. 2008;7(13):289-99.
3. Ernits M, Ginter C, Laos S, Allikmets M, Tupay PK, Värk R, et al. The Constitution of Estonia: The Unexpected Challenges of Unlimited Primacy of EU Law. In: Albi A, editor. *National Constitutions in European and Global Governance: Democracy, Rights, the Rule of Law*. Hague: TMC Asser Press; 2019.
4. Popa LE. Patterns of Treaty Interpretation as Anti-Fragmentation Tools. Hague: Springer; 2018.
5. Friedrich J. International Environmental "soft law": The Functions and Limits of Nonbinding Instruments in International Environmental Governance and Law. New York: Springer Science & Business Media; 2013.
6. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Tehran: Islamic Azad University; 2020. (Persian).
7. Weil P. Towards relative normativity in international law? *American Journal of International Law*. 1983;77(3):413-42.
8. Meron T. On a Hierarchy of International Human Rights. *The American Journal of International Law*. 1986;80(90):1-23.
9. Shelton D. Normative hierarchy in international law. *American Journal of International Law*. 2006;100(2):291-323.
10. Thirlway H. *The Sources of International Law*. Oxford: Oxford University Press; 2019.
11. Yearbook of the International Law Commission, 2001, volume II, Part Two: Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, article 41, 48.
12. Yearbook of the International Law Commission, 2006, volume II, Part Two: Draft Articles on Diplomatic Protection, article 19, para. 2, 3.
13. Yearbook of the International Law Commission, 2011, volume II, Part Two: Guide to Practice on Reservations to Treaties, para. 3, 4.
14. Henriksen A. *International Law*. Oxford: Oxford University Press; 2019.
15. Beyranvand F, Sharifi Taraz Koochi H, Salami S. Configuration and Applying of International Soft Law in the Light of Procedure of the International Court of Justice with an Emphasis on Humanitarian Law. *Iranian Journal of Medical Law*. 2019;14:73-87.
16. Beyranvand F. *Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law*. Tehran: Islamic Azad University; 2013. (Persian).
17. Yaghuti E, Khazaei A, Beyranvand F. Inquiries About Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law. Tehran: Islamic Azad University of Central Tehran Publisher; 2019. (Persian).
18. Oberleitner G. *Human Right in Armed Conflict: Law, Practice, Policy*. Cambridge: Cambridge University Press; 2015.
19. Odello M. Fundamental standards of humanity: a common language of international humanitarian law and human rights law. In: Roberta A, Quéniwet N, editors. *International Humanitarian Law and Human Rights Law: Towards a New Merger in International Law*. London: Martinus Nijhoff; 2008.
20. Murray D. *Practitioners' guide to human rights law in armed conflict*. Oxford: Oxford University Press; 2016.
21. Orakhelashvili A. The interaction between human rights and humanitarian law: fragmentation, conflict, parallelism, or convergence? *European Journal of International Law*. 2008;19(1):161-82.
22. Tsagourias N, Morrison A. *International humanitarian law: cases, materials and commentary*. Cambridge: Cambridge University Press; 2018.
23. Milanovic M. The Lost Origins of Lex Specialis: Rethinking the Relationship between Human Rights and International Humanitarian Law. In: Ohlin D, editor. *Theoretical Boundaries of Armed Conflict and Human Rights*. Cambridge: Cambridge University Press; 2016.
24. Thürer D. *International Humanitarian Law: Theory, Practice, Context*. Hague: Hague Academy of International law; 2011.
25. Manfred N. *UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*. London: N.P. Engel Publisher; 2005.
26. Easton S. *Prisoners' Rights: Principles and Practice*. London: Routledge; 2011.

27. Joseph S, Castan M. The international covenant on civil and political rights: cases, materials, and commentary. Oxford: Oxford University Press; 2013.
28. Henckaerts J, Beck L. Customary International Humanitarian Law. Cambridge: Cambridge University Press; 2009.
29. Siegel LJ, Worrall JL. Essentials of criminal justice. London: Cengage Learning; 2018.
30. Christians L-L, Wattier S. Belgium: Religions and Prisons in Law. In: Ariño J, Zwilling A, editors. Religion and Prison: An Overview of Contemporary Europe. London: Springer; 2020.
31. Weatherall T. Jus cogens: international law and social contract. Cambridge: Cambridge University Press; 2015.
32. Criddle EJ, Fox-Decent E. Fiduciaries of humanity: How international law constitutes authority. Oxford: Oxford University Press; 2016.

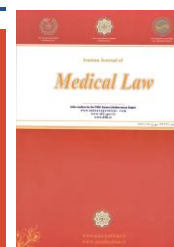


The Iranian Association  
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal  
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



## ORIGINAL ARTICLE

# Extensions of International Human Rights in the Process of Enforcement of the Imprisonment Penalty Focusing on Normative Hierarchy

Hassan Mahdavifar<sup>1</sup>, Seyed Askari Hosseini Moghaddam<sup>2\*</sup>, Abbas Arab Khazaeli<sup>3</sup>

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

## ARTICLE INFORMATION

**Received:** 31 July 2021

**Accepted:** 7 November 2021

**Published online:** 18 January 2022

### Keywords:

Human Rights

Imprisonment

Normative Hierarchy

Peremptory Norms

### \* Corresponding Author:

Seyed Askari Hosseini Moghaddam

**Address:** Department of Islamic Jurisprudence and Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

**Postal Code:** 48161-19318

**Telephone:** 11-33032891

**Email:** dhoseini@gmail.com

## ABSTRACT

**Background and Aim:** One of the most important issues in the world of law is the issue of guaranteeing the implementation of violations of norms. Historically, one of the oldest examples of bail is "imprisonment". In the process of imprisonment, various examples and standards of international human rights must be considered.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Results:** Instances of human rights in the process of punishment of imprisonment are in a special category. The first class is the basic rules. These rules are in fact part of the fundamental human rights examples that are considered in the international law literature in question as examples of the peremptory norms of international law. The second category is non-fundamental rules. These rules have no conventional or customary background.

**Ethical considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** Fundamental rules are at the top of the normative hierarchy of human rights, and other norms cannot be in conflict with them. One of the characteristics of this set of rules is that they are basically irreversible. This means that no government can enforce these rules based on justified or excusable causes and factors. In contrast, non-fundamental rules lack such a description.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mahdavifar H, Hosseini Moghaddam SA, Arab Khazaeli A. Extensions of International Human Rights in the Process of Enforcement of the Imprisonment Penalty Focusing on Normative Hierarchy. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).